سرمقاله

اقتصاد بمب اتم

ادامه از صفحه ۱

... نیم قرن بعد، جنگ اوکراین گاز اروپا را در اوت ۲۰۲۲ به بیش از ۳۰۰ یورو برای هر مگاوات‌ساعت رساند و تورم اتحادیه اروپا در اکتبر همان سال به ۱۱.۵ درصد جهید.

این دو شوک سنگین بودند، اما هیچ‌کدام جنگ مستقیم قدرت‌های بزرگ نبودند. حالا تصور کنید آمریکا، روسیه و چین یا ایالایشگاه، نیروگاه، بندر و خط لوله یکدیگر را بزنند. آن‌وقت دیگر بحث بر سر گران‌شدن نفت نیست. بخش بزرگی از تولید و تجارت جهان از بین می‌رود. هشتاد سال است که چنین جنگی رخ نداده است. بازدارندگی هسته‌ای (deterrence) در این صلح سهم مهمی داشته و همین، سود اقتصادی روشنی به جهان رسانده است.

۱. در نیمه نخست قرن بیستم دو جنگ جهانی درگرفت و جنگ دوم به‌تنهایی ۷۰ تا ۸۵ میلیون نفر را کشت. از ۱۹۴۵ به بعد، با وجود مسابقه تسلیحاتی و جنگ‌های نیابتی در کره، ویتنام و خاورمیانه، آمریکا و شوروی هیچ‌وقت مستقیم به هم شلیک نکردند. همه این صلح را نباید به حساب بمب نوشت؛ اما رهبران دو طرف می‌دانستند جنگ مستقیم یعنی نابودی خودشان و همین حساب ساده معادله را عوض کرد.

در بحران موشکی کوبا در ۱۹۶۲، جهان ۱۳ روز در آستانه جنگ هسته‌ای ماند و در نهایت هر دو طرف عقب نشستند. در جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳ هم الگو همین بود. وقتی خبر رسید شوروی ممکن است به مصر نیرو بفرستد، آمریکا آماده‌باش هسته‌ای خود را بالا برد. هر دو ابرقدرت عقب کشیدند و آتش‌بس برقرار شد. این عقب‌نشینی‌ها فقط موفقیت دیپلماتیک نبودند. آنها بازارهای مالی، تجارت و انرژی جهان را از فلج شدن نجات دادند.

۲. بمب برای تأمین امنیت از سرباز و تانک ارزان‌تر تمام می‌شود. آیزنهاور در ۱۹۵۳، پس از جنگ کره، همین حساب را کرد. سهم هزینه دفاعی آمریکا آن سال حدود ۱۴ درصد تولید ناخالص بود و او با تکیه بر سلاح هسته‌ای آن را تا ۱۹۶۰ به حدود ۹ درصد رساند. در همان سال‌ها، از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳، اقتصاد جهان به‌طور میانگین نزدیک به ۵ درصد در سال رشد کرد و این دوره به عصر طلایی سرمایه‌داری معروف شد. ثبات امنیتی تنها دلیل این رشد نبود، اما بی‌ثباتی امنیتی به‌راحتی می‌توانست آن را متوقف کند.

۳. پالایشگاه، نیروگاه، فولادسازی و خط لوله به سرمایه‌گذاری ده‌ها ساله نیاز دارند. سرمایه‌گذار فقط وقتی پول می‌گذارد که بتواند فردای پروژه را تصور کند. ترس از جنگ همین تصور را خراب می‌کند. خانوارها کمتر پس‌انداز می‌کنند، بنگاه‌ها پروژه بلندمدت را کنار می‌گذارند و سرمایه به سمت دارایی امن می‌گریزد. یعنی سایه جنگ حتی بدون شلیک یک گلوله هم به اقتصاد خسارت می‌زند. ترس از جنگ پس‌انداز را می‌خورد و بازدارندگی معتبر، با کم کردن احتمال جنگ مستقیم، از این ترس می‌کاهد.

انرژی از همه بخش‌ها به امنیت وابسته‌تر است. تنگه هرمز در ۲۰۲۳ روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت و فراورده را جابه‌جا کرد، یعنی تقریباً یک‌پنجم مصرف جهانی مایعات نفتی. هر جنگ گسترده در آنجا قیمت نفت، بیمه کشتی‌ها و محصولات پتروشیمی را در همه دنیا بالا می‌برد. بازدارندگی معتبر می‌تواند احتمال تبدیل بحران به جنگ بزرگ را کم کند.

۴. در ۱۹۹۳ آمریکا و روسیه قراردادی بیست‌ساله به نام مگاتن به مگاوات (Megatons to Megawatts) بستند. روسیه ۵۰۰ تن اورانیوم غنی‌شده نظامی، معادل حدود ۲۰ هزار کلاهک را رقیق کرد و به آمریکا فروخت. تا پایان ۲۰۱۳ این سوخت نزدیک به ۱۰ درصد برق آمریکا را تأمین کرد. یعنی از هر ده لامپ آمریکایی یکی با اورانیومی روشن می‌ماند که روزی شهرهای آمریکا را نشانه رفته بود. این معامله فقط وقتی شدنی بود که دو طرف ده‌ها یاد گرفته بودند هیچ‌کدام نمی‌تواند دیگری را نابود کند و خودش سالم بماند.

خود برق هسته‌ای هم از دل همین دوران بیرون آمد. رآکتورهای زیردریایی و پروژه‌های بمب، فناوری را ساختند و نیروگاه‌های غیرنظامی بعدها آن را گرفتند. امروز نزدیک به ۹ درصد برق جهان از رآکتورها می‌آید.

۵. اوکراین پس از فروپاشی شوروی حدود ۱۸۰۰ کلاهک راهبردی در خاک خود داشت، هرچند کنترل عملیاتی آن‌ها دست مسکو بود. در ۱۹۹۴ با توافق بوداپست از آن‌ها گذشت و در عوض تضمین استقلال و تمامیت ارضی گرفت. در ۲۰۱۴ روسیه کریمه را ضمیمه کرد و در ۲۰۲۲ حمله گسترده را آغاز کرد. به گزارش مؤسسه پژوهش‌های صلح استکهلم (SIPRI)، اوکراین در ۲۰۲۵ حدود ۸۴.۱ میلیارد دلار خرج نظامی کرد، یعنی ۴۰ درصد تولید ناخالص خود. کشوری که باید پولش را صرف بازسازی و رفاه می‌کرد، نزدیک به نیمی از اقتصادش را به جنگ داد. این به معنای آن نیست که اوکراین با بمب مستقل حتماً در امان می‌ماند. اما نشان می‌دهد تضمین کاغذی بدون پشتوانه قدرت همیشه کار نمی‌کند.

۶. جهان میان بمب و بهشت انتخاب نکرد؛ میان ترسی مهارشده و جنگی انتخاب کرد که میلیون‌ها نفر را کشت و ثروت جهان را سوزاند. ارزش بمب در انفجارش نیست؛ در این است که هرگز منفجر نشود. وقتی بمب هست، پالایشگاه‌ها کار می‌کنند، نفتکش‌ها حرکت می‌کنند و سرمایه‌گذار برای ۲۰ سال بعد برنامه می‌ریزد. قدرت بمب در کشتن نیست؛ در جلوگیری از جنگ است. گران‌ترین سلاح دنیا، تا وقتی شلیک نشود، ارزان‌ترین بیمه‌نامه تاریخ است.

مجتبی توانگر
alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می دهد

اقتصاد ایران در تله تصمیمات ناگهانی

محبوبه بیدکی – رجب پور، پژوهشگر اقتصادی با اشاره به ریشه اصلی نوسانات بازار ارز، تاکید می کند: این مشکل را نباید فقط در تنگناهای خارج از مرزها جست‌وجو کرد؛ بلکه پاشنه آشیل نظام اقتصادی کشور، غافلگیری متوالی مدیران در مواجهه با سناریوهای محتمل است.

نوسانات ارزی و چالش‌های ناشی از محدودیت‌های انتقال منابع مالی، سال‌هاست که ساختار اقتصاد کلان کشور را تحت‌تأثیر قرار داده است. در شرایطی که سایه سیاست خارجی و معادلات مذاکره بر سر بازار سایه افکنده، کارشناسان اقتصادی معتقدند بزرگ‌ترین آسیب در حوزه تصمیم‌گیری، واکنشی بودن سیاست‌ها پس از وقوع بحران است.

رجب‌پور، پژوهشگر مسائل اقتصادی، در همین راستا تاکید می کند: ریشه‌یابی بحران ارزی را نباید در یک عامل واحد جست‌جو کرد؛ چرا که هم‌افزایی فاکتورهایی نظیر اهرم‌های مالی سنگین، ضوابط ناکارآمد در اعتبارسنجی، کم‌کاری نهادهای نظارتی، تکانه‌های برون‌زا و اشتباهات مکرر در سطح کلان، بستر بروز این چالش را هموار می‌سازد. به گفته وی؛ برای مدیریت بهینه محدودیت‌ها و نوسانات ارزی، ما ناچاریم در سه سطح مشخص و به هم‌پیوسته راهبرد داشته باشیم و اگر این سناریوها از پیش طراحی نشوند، مدیریت بحران همیشه واکنشی خواهد بود، در حالی که اقتصاد نیازمند سیاست‌گذاری پیش‌دستانه است.

شفافیت در حدود و اختیارات سیاست خارجی

این کارشناس اقتصادی با تأکید بر شفافیت در حدود و اختیارات سیاست خارجی، می گوید: سطح اول به حوزه سیاست خارجی و تعیین دقیق حدود امکانات و محدودیت‌های کشور مربوط می‌شود و هنگام ورود به میز مذاکره، باید کاملا شفاف باشد که حدود انعطاف ما کجاست، کجا می‌توانیم مانور دهیم و خط قرمزهایمان چیست. وی ادامه می دهد: متأسفانه گاهی تیم مذاکره‌کننده بدون اشراف کامل بر توانمندی‌های واقعی و پشتوانه‌های نهادی مانند سازمان برنامه و بودجه وارد میدان می‌شود، در حالی که وقتی امکانات و مخاطرات از پیش معلوم باشد، حدود اختیارات مذاکره‌کنندگان نیز ضریب اطمینان بالاتری پیدا می‌کند.

آمادگی برای سناریوی عدم توافق و تداوم محدودیت‌ها

رجب پور با اشاره به سطح دوم که برنامه‌ریزی است، یادآور می‌شود: برنامه‌ریزی یعنی تدبیر برای حالتی که توافقی حاصل نشود، دشواری‌های انتقال ارز و محدودیت‌های منابع ارزی موضوع تازه‌ای نیستند؛ این چالش‌ها از ماه‌ها پیش برای نهادهای مؤثری همچون بانک مرکزی کاملا قابل پیش‌بینی بوده‌اند، سوال اینجاست که چرا برای روزهای سخت‌تر بازار ارز آماده نبوده‌ایم؟ وی با بیان اینکه مدیریت بازار ارز و مهار جهش‌های دلاری نباید به زمانی موکول شود که بحران سر برمی‌آورد؛ تأکید می کند: باید سناریوی تداوم محدودیت‌ها روی میز باشد تا کمترین آسیب به معیشت و اقتصاد وارد شود.

مدیریت منابع در سناریوی رفع تحریم‌ها

این اقتصاددان ادامه می دهد: سطح سوم مربوط به روزی است که مذاکرات به نتیجه برسد و تحریم‌ها برداشته شوند، مسئله حیاتی در این سناریو این است که با حجم قابل توجهی از ارزهای آزادشده چه خواهیم کرد؟ آیا قرار است این منابع ارزشمند بار دیگر به سادگی صرف واردات بی‌رویه شوند و فرصت ساختاری اقتصاد بسوزد، یا از آن به‌عنوان اهرمی برای تجهیز زیرساخت‌ها، تقویت تولید ملی و توسعه پایدار بهره خواهیم برد؟ در پایان رجب پور خاطرنشان می‌کند: تفاوت یک اقتصاد مدیریت‌شده با اقتصاد روزمره در داشتن پاسخی مشخص برای این سناریو ها به ویژه سناریوی سوم است./

در مجموع، نگاهی به سه سطح راهبردی مطرح‌شده از سوی این کارشناس اقتصادی نشان می‌دهد که پاشنه آشیل اقتصاد ایران در مواجهه با تکانه‌های ارزی، نه تنها وجود تحریم‌ها نیست، بلکه فقدان سناریوی از پیش‌تعیین‌شده برای روز پس از رویدادهاست. اگر مذاکرات به بن‌بست برسد و یا درهای توافق باز شود؛ به نظر می رسد اقتصاد کشور دیگر کشش تصمیمات دفعی و واکنشی را ندارد و تبدیل ارزهای حاصل از رفع تحریم‌ها به موتور محرک تولید به‌جای تبدیل شدن به کانالی برای واردات صرف، آزمونی جدی برای نظام برنامه‌ریزی کشور خواهد بود که نیازمند دوراندیشی و هماهنگی نهادهای تصمیم‌ساز از ماه‌ها پیش از وقوع تحولات است.

Mojgan.bidaki88@gmail.com

پیام آشنا گزارش می دهد

پایان محاصره؛ شرط عبور از بن‌بست هرمز

اختصاصی پیام آشنا- مواضع تازه وزارت امور خارجه نشان می‌دهد تهران در شرایطی که مسیرهای دیپلماتیک از طریق میانجی‌ها همچنان باز است، حاضر نیست امنیت تنگه هرمز و بازگشت به روند توافق را جدا از اجرای مطالبات خود و پایان محاصره دریایی دنبال کند. تأکید بر بی‌اعتمادی به واشنگتن، آمادگی برای مواجهه با همه سناریوها و هشدار درباره پیامدهای همراهی با تجاوز نظامی، سه محور اصلی پیام جدید ایران است؛ پیامی که در آن دیپلماسی ابزاری برای تأمین منافع ملی است، نه مسیری برای نادیده گرفتن حقوق و امنیت کشور.

تنگه هرمز: امنیت بدون رفع محاصره ممکن نیست

اظهارات اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری اخیر را می‌توان بازتاب‌دهنده یک موضع محوری در سیاست خارجی ایران دانست: بازگشت امنیت به تنگه هرمز بدون تغییر رفتار آمریکا و اجرای مطالبات تهران امکان‌پذیر نیست. این موضع در حالی مطرح می‌شود که گفت‌وگوهای غیرمستقیم از طریق میانجی‌ها ادامه دارد، اما اختلاف بر سر تعهدات و اقدامات عملی همچنان پابرجاست.

بقایی با اشاره به ابتکار پیشنهادی ایران که پیش‌تر در جریان سفر هیئت نمایندگی کشورمان به نیویورک مطرح شده بود، گفت این طرح همچنان روی میز قرار دارد و دیدگاه‌های طرف مقابل نیز از طریق میانجی‌ها دریافت شده است. به گفته وی، مطالبات ایران روشن است و حتی امکان اجرای طرح در مدت کوتاه دو روزه وجود دارد؛ با این حال، تحقق آن به تصمیم و اراده طرف آمریکایی بستگی دارد.

نکته محوری این موضع‌گیری، پیوند مستقیم میان امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز و پایان محاصره دریایی ایران است. از نگاه تهران، نمی‌توان هم‌زمان محدودیت‌های اقتصادی و دریایی علیه ایران را حفظ کرد و انتظار داشت امنیت این آبراه به‌وضعیت عادی بازگردد. این رویکرد بر این اصل استوار است که امنیت منطقه‌ای نمی‌تواند یک‌طرفه تعریف شود و حقوق کشوری که با فشار و محدودیت مواجه است، نباید نادیده گرفته شود.

دیپلماسی در سایه بی‌اعتمادی: تجربه‌ای که فراموش نمی‌شود

یکی از برجسته‌ترین بخش‌های اظهارات سخنگوی وزارت خارجه، تأکید صریح بر نبود اعتماد میان ایران و آمریکا بود. بقایی با اشاره به سابقه رفتار واشنگتن در روندهای دیپلماتیک یادآور شد که آمریکا بارها مسیر گفت‌وگو را مختل کرده و حتی پس از شکل‌گیری تفاهم، نیز به تعهدات خود پایبند نمانده‌است.

اشاره به تفاهم اسلام‌آباد و نقض آن، در کنار تجربه توافق هسته‌ای و خروج آمریکا از آن در سال ۲۰۱۸، نشان می‌دهد مسئله تهران تنها اختلاف بر سر مفاد مذاکرات نیست؛ بلکه اعتبار طرف مقابل و امکان اتکا به تعهدات آن نیز به مانعی جدی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، تفاوت لحن مقام‌های آمریکایی، از تهدیدهای دونالد ترامپ تا نامه‌نگاری متفاوت جی‌دی ونس، نمی‌تواند به‌تنهایی نشانه تغییر رویکرد واشنگتن تلقی شود. موضع بقایی روشن بود: آنچه برای ایران اهمیت دارد، عملکرد دولت آمریکاست، نه تفاوت در ادبیات و سبک بیان مقام‌های آن. بنابراین، ادامه ارتباط از مسیر میانجی‌ها به معنای کنار گذاشتن احتیاط یا اعتماد به طرف مقابل نیست.

پیام بازدارندگی: همراهی با متجاوز بدون هزینه نخواهد بود

در کنار تأکید بر استمرار دیپلماسی، بخش دیگری از اظهارات سخنگوی وزارت خارجه حامل پیام امنیتی روشنی بود. بقایی تصریح کرد هر طرفی که به هر شکل در طراحی، تدارک یا اجرای اقدام نظامی علیه ایران مشارکت کند، نباید خود را از پیامدهای آن مصون بداند.

وی همچنین تأکید کرد هرگونه تعرض نظامی به ایران یا واکنشی قدرتمند، فوری و همه‌جانبه مواجه خواهد شد. این موضع در ادامه هشدارهای ایران درباره استفاده از قلمرو، حریم هوایی، امکانات و پایگاه‌های نظامی کشورهای منطقه برای اقدامات تجاوزکارانه مطرح شده است.

اهمیت این پیام در آن است که تهران صرفاً طرف آغازکننده حمله را مخاطب قرار نداده، بلکه دامنه مسئولیت را به کشورهایی نیز تعمیم داده است که امکانات خود را در اختیار متجاوزان قرار می‌دهند. بقایی اقدامات دفاعی ایران را مبتنی بر ماده ۵۱ منشور ملل متحد دانست و تأکید کرد کشورمان در دفاع از تمامیت سرزمینی و امنیت ملی خود مماشات نخواهد کرد.

این موضع در عین حال با تأکید بر ضرورت حفظ روابط با همسایگان همراه است. تهران اعلام کرده خواهان تقابل با کشورهای منطقه نیست، اما انتظار دارد این کشورها اجازه ندهند قلمرو و امکاناتشان برای تعرض به ایران مورد استفاده قرار گیرد.

امنیت منطقه در گرو مسئولیت همسایگان

تأکید بر مسئولیت کشورهای منطقه در تأمین امنیت، بخش دیگری از موضع تهران را تشکیل می‌دهد. بقایی با اشاره به استفاده از امکانات برخی کشورهای جنوبی خلیج فارس در جریان درگیری‌های اخیر، تصریح کرد ایران نمی‌تواند در برابر چنین اقداماتی سکوت کند.

از نگاه تهران، حضور نظامی آمریکا در منطقه لزوماً تضمین‌کننده امنیت کشورهای میزبان نیست؛ به‌ویژه اگر امکانات مستقر در این کشورها برای حمله به همسایگان به کار گرفته شود. چنین وضعیتی می‌تواند کشورهای میزبان را نیز در معرض پیامدهای درگیری قرار دهد. از همین رو، مطالبه ایران از دولت‌های منطقه، جلوگیری از استفاده از قلمرو و ظرفیت‌های نظامی آن‌ها علیه دیگر کشورهاست.

در همین چارچوب، سخنگوی وزارت خارجه بر همکاری منطقه‌ای و اعتمادسازی میان همسایگان تأکید کرد و یادآور شد ایران و کشورهای منطقه همسایگان دائمی یکدیگر هستند، در حالی که حضور و سیاست قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌تواند تغییر کند.

پرونده هسته‌ای: هنوز نوبت موضوعات بعدی نیست

در حوزه هسته‌ای نیز موضع تهران بر تقدم اجرای مطالبات بر ورود به مراحل بعدی مذاکرات استوار است. بقایی تصریح کرد تا زمانی که مطالبات ایران اجرا نشود، امکان ورود به گفت‌وگو درباره موضوعات دیگر وجود ندارد.

وی گزارش‌های مربوط به احتمال انتقال اورانیوم ۶۰ درصد غنی‌شده به کشور ثالث را رد کرد و درباره همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مسئولیت مدیرکل این نهاد در قبال حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران را یادآور شد. تأکید بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و عضویت کشورمان در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز نشان می‌دهد تهران بر چارچوب تعهدات بین‌المللی خود تأکید دارد، اما ورود به موضوعات جدید را به تعیین تکلیف مطالبات فعلی موکول کرده است.

انتخاب تهران: دیپلماسی همراه با آمادگی دفاعی

مجموع این مواضع نشان می‌دهد ایران نه مسیر دیپلماسی را کنار گذاشته و نه امنیت ملی خود را به نتیجه مذاکرات یا تحولات سیاسی آمریکا گره زده است. ادامه تبادل پیام‌ها، حفظ ابتکار دیپلماتیک و امکان اجرای سریع پیشنهاد ایران، در کنار هشدار درباره پاسخ همه‌جانبه به هرگونه تجاوز، بیانگر رویکردی است که در آن مذاکره و آمادگی دفاعی دو مسیر موازی برای صیانت از منافع ملی هستند.

در این چارچوب، انتخابات و جابه‌جایی‌های سیاسی آمریکا نیز مبنای اصلی محاسبات تهران نیستند. بقایی با اشاره به اینکه تغییر دولت‌ها لزوماً به معنای تولد آمریکایی متفاوت نیست، تأکید کرد ایران به جای اتکا به تحولات سیاسی واشنگتن، بر تقویت ظرفیت‌های خود متمرکز است.

اکنون توپ در زمین آمریکاست؛ اگر واشنگتن خواهان بازگشت امنیت به تنگه هرمز و آغاز مرحله بعدی توافق است، باید از سطح پیام‌ها و مواضع رسانه‌ای عبور کند و در عمل به مطالبات ایران پاسخ دهد. در غیر این صورت، تداوم فشار و محاصره نه‌تنها مسیر دیپلماسی را هموار نمی‌کند، بلکه می‌تواند هزینه‌های ناامنی در منطقه را افزایش دهد.

متوسط اندازه‌ی دیوار مصرفِ روزانه!*
متوسط مصرف آب در ایران ۴۰ لیتر بالاتر از استاندارد جهانی: ۱۹۰ لیتر در روز.